

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۲

جمعه ۱۴ فروردین ۱۳۹۴، ۳ آپریل ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

نوزان- یمن- نکریت: افول پرشتاب جمهوری اسلامی

اعدام اسلامی، و جامعه ای که مرعوب نمیشود !

صفحه ۷

کمپین موفق در سوئد علیه ممنوعیت ورود زنان به میادین ورزشی

صفحه ۵

موفقیت ما

در فوتبال ایران و سوئد

صفحه ۶

فراخوان مشترک سیلی غفار و مینا احدی برای دفاع فعالانه تر از جنبش برابری طلبانه زنان در افغانستان

از مبارزات زنان در افغانستان دفاع کنید!

صفحه ۸

بهنام ابراهیم زاده محروم از درمان و ملاقات، در قرنطینه زندان رجایی شهر

کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۸

توافق نوزان از دید طرف سوم!

حمید تقوایی

صفحه ۲

توحش و استیصال رژیم و احکام شلاق و زندان برای کارگران چادرملو

بهرز مهرآبادی

صفحه ۳

جنگ یمن

حلقه دیگری از مقابله دو بلوک ارتجاعی

حمید تقوایی

صفحه ۴

بازنده فوتبال ایران و سوئد جمهوری اسلامی بود

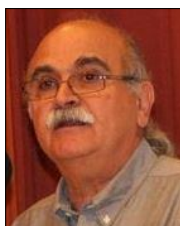
اصغر کریمی

صفحه ۶



توافق لوزان از دید طرف سوم!

حمید تقوایی



غرب ستیزی حکومت را بیشتر زیر سؤال برده و در يك سطح استراتژیک موقعیت حکومت اسلامی در ایران و در منطقه را بمراتب ضعیف تر و متزلزل تر خواهد کرد. این روند هم اکنون آغاز شده است و در چندماه آتی و پس از توافق جامع - اگر بالاخره به چنین توافق برسند- بیش از پیش تشدید خواهد شد. مجموعه این شرایط به معنی ایجاد وضعیت اقتصادی- سیاسی- اجتماعی مساعد تری برای گسترش مبارزات مردم در تمامی عرصه ها است. از مبارزه بر سر دستمزدها و شرایط رفاهی تا مبارزه برای آزادی زن، و از مبارزه برای آزادیهای سیاسی و مدنی تا مبارزه برای خلاصی فرهنگی و برخورداری از يك زندگی شاد و مدرن. توافق هسته ای بیش و پیش از آنکه به معنی پیشروی هر يك از طرفین مذاکره باشد، راه پیشرویهای طرف سوم، توده مردم خواهان معیشت و منزلت را هموار خواهد کرد. ۲ آوریل ۲۰۱۵

رژیم جمهوری اسلامی بی هیچ عذر و توجیه و پوشش تبلیغاتی ای آماج اعتراض مردم قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر توافق هسته ای به معنی دست بالا پیدا کردن جناح روحانی- رفسنجانی و تضعیف موقعیت خامنه ای - اصولگرایان خواهد بود و این بنسویه خود بر کشمکشها و اختلافات درون حکومت دامن زده و امکان تازه ای برای بحالشدن کشیدن کل حکومت بوسیله مردم فراهم خواهد کرد. اما تاثیرات توافق با غرب از مساله هسته ای فراتر می رود. همانطور که بارها تاکید کرده ایم هر نوع نزدیکی و تعامل جمهوری اسلامی با غرب، هویت ایدئولوژیک ضد آمریکائی و

از پیش در راس سیاستهای حکومت قرار خواهد گرفت و این برای کارگران و توده مردم کارکن معنائی بجز بی حقوقی و بی تامینی اقتصادی بیشتر و سفت کردن بیشتر کمربندها نخواهد داشت. همزمان سفره تازه ای برای اختلاس و دزدی و چپاولگری در برابر باندهای حکومتی پهن خواهد شد. مقابله با این شرایط تنها با تعرض و گسترش مبارزه برای منزلت و معیشت ممکن خواهد بود. از نظر سیاسی نیز توافق بر سرپروژه هسته ای زمینه تعرض بیشتر مردم را فراهم خواهد کرد. از یکسو بهانه تحریمها و مقابله با شیطان بزرگ و اقتصاد مقاومتی از بین خواهد رفت و

یکدیگر، بلکه تنها میتواند ثمره مبارزه و تعرض بیشتر و گسترده تر مردم برای افزایش دستمزدها و حقوقهای کمتر از يك چهارم خط فقر و علیه بیکاری و گرانی و بی تامینی اقتصادی باشد. بی گمان جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد با هر گشایشی در شرایط اقتصادی به بهانه سازندگی و جبران عقب ماندگیها و غیره بندهای ریاضت کشی اقتصادی را سفت تر کند. پیاده کردن سیاستها و توصیه های ریاضتی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که همواره همه جناحهای جمهوری اسلامی بر سر آن توافق داشته اند بمنظور جلب اعتبارات مالی و سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی بیش

مذاکرات لوزان بالاخره ۴۸ ساعت بعد از موعد مقرر به نتیجه رسید و بیانیه مشترکی از جانب دو طرف مذاکره منتشر شد. این بیانیه يك تفاهم نامه سیاسی و پایه ای بر سر زمینه ها و چارچوب توافق جامعی است که قرار است در آخر ماه ژوئن (۱۱ تیرماه) به امضای جمهوری اسلامی و دولتهای پنج بعلاوه يك برسد. طرفین این توافق اولیه را يك نقطه عطف در سیر مذاکرات هسته ای و هر يك - به سیاق همه توافقات دیپلماتیک - يك پیروزی برای خود خوانده اند. ظریف و دیگر مذاکره کنندگان جمهوری اسلامی بر عدم تعطیل و توقف فعالیتهای هسته ای و لغو همه تحریمها - بعد از توافق جامع - تاکید میکنند و دولت آمریکا و کشورهای دیگر طرف مذاکره بر بستن همه راههای دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی و کاهش تعداد سانتریفیوژها به سطح يك سوم و امکان دسترسی به و بازرسی فعالیتهای هسته ای ایران "به نحوی بیسابقه و بیش از هر کشور دیگری در دنیا". اما از دید مردم ایران و تا آنجا که به منافع آنان مربوط میشود نتایج و معیارها کاملاً متفاوت است. از دید مردم رفع یا هر درجه تخفیف تحریمها باید خود را در کاهش فقر و بیکاری و گرانی و ارتقای سطح معیشت و رفاه توده مردم نشان بدهد. مردم ایران مدتهاست با شعار "منزلت، معیشت حق مسلم ماست" به مقابله با پروژه هسته ای و شعار حکومتی "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" برخاسته اند و هر توافقی بر سر مساله اتمی باید به ارتقای منزلت و معیشت توده مردم ایران منجر بشود. اما روشن است این نه نتیجه خودبخودی توافق دولتها با

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com



توحش و استیصال رژیم و احکام شلاق و زندان برای کارگران چادرملو

بهروز مهرآبادی

تر میشود؟ نه تنها مدیران و صاحبان معدن چادرملو بلکه هیچ کارفرمایی بخاطر نپرداختن دستمزد کارگران، بخاطر کشته و مجروح شدن کارگران در محل کار، بخاطر استثمار و به بردگی کشاندن آنها به پای میز محاکمه کشیده نشده است. برعکس این کارگران معترض به بی عدالتی و ظلم هستند که مورد تهاجم نیروهای مسلح قرار گرفته و در دادگاهها با اتهامات مضحک به تحمل زندان و شکنجه محکوم میشوند.

احکام دادگاه اسلامی در مورد کارگران چادرملو سند محکومت کارفرمایان و حکومت حامی آنها است. آنها هستند که باید بخاطر استثمار کارگران، بخاطر بالا کشیدن حقوق کارگران و به خاطر تعرض و بیحرمتی به کارگران باید مورد محاکمه قرار بگیرند. صدور احکام شلاق و زندان نه فقط توحش و نهایت ضد انسانی بودن جمهوری اسلامی را نشان می دهد بلکه استیصال و وحشت آن را از مبارزات کارگران به نمایش میگذارد. این احکام نه تنها علیه کارگران چادرملو، پتروشیمی رازی و یا کارگران سندانج بلکه علیه تمام کارگران ایران است و نفرت آنها را از جمهوری اسلامی بیشتر، صفوف آنها را متحد تر و اراده آنها را برای بدست بیرون کشیدن حق خود از چنگال سرمایه داران حاکم استوار تر می کند.*



سرکوب کارگران نیست. دستگاه قضائیه به سراغ مدیرعامل شرکت چادرملو مهندس حاج محمود نوریان و سایر مدیران شرکت بجرم کلاهبرداری از کارگران و خودداری از محاسبه حق پاداش کارگران در حق بیمه آنها نمی رود و آنها را محاکمه نمی کند، آنها بجرم تقلب و بالا کشیدن ایام مرخصی اضافی بخاطر سختی کار کارگران به

طبقه بندی مشاغل به اجرا در آمد و کارگران همچنین موفق شدند حقوق ایام اعتصاب خود را دریافت کنند.

اما جمهوری اسلامی همچنان قصد زهر چشم گرفتن از کارگران را دارد. رژیم در ۲۰ اسفندماه سال گذشته با شکایت کارفرما ۳۰ نفر از کارگران چادرملو را با اتهامات مسخره ای چون "اخلال در نظم و

حمله بردند. ۲۸ نفر از کارگران توسط رژیم بازداشت شدند و رژیم به اشکال مختلف سعی کرد که صف یکپارچه و متحد کارگران و مبارزه آنها را در هم بشکند. آنها از طرف مقامات مختلف جمهوری اسلامی از جمله اژه ای دادستان کل کشور رژیم مورد تهدید قرار گرفتند. او پس از بازداشت کارگران معدن چادرملو گفت: "با افرادی که به اسم

خبرگزاری ایلنا روز ۱۲ فروردین خبر از ابلاغ احکام کارگران معدن چادرملو داد. ۲۵ نفر از کارگران تبرئه شده و ۵ نفر از آنها به یک سال حبس تعزیری و شلاق محکوم شدند که بخاطر نداشتن سابقه کیفری این حکم به ۵ سال حبس تعلیقی تعلیقی و سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق تغییر پیدا کرد. این اولین بار نیست که کارگران را با احکام زندان و شلاق مورد تهدید قرار می دهند. در تابستان ۹۳ چهار کارگر پتروشیمی رازی با اتهام "اخلال در نظم عمومی" به ضربات شلاق محکوم شدند. این کارگران به همراه بیش از هزار کارگر دیگر خواستار افزایش حقوقهای ناچیز خود و همچنین مزایای سختی کار، سرویس رفت و برگشت و نهار و ... بودند.

در تابستان ۸۶ یازده نفر از فعالین کارگری در سندانج محکوم به زندان و ضربات شلاق شدند. "جرم" این کارگران برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بود. در خرداد ۸۷ حکم ضربات شلاق در مورد دو نفر از فعالین کارگری زن که در مراسم روز جهانی کارگر بازداشت شده بودند، به اجرا درآمد. اما توحش جمهوری اسلامی نتوانسته مانع مبارزه کارگران شود و عزم آنها را برای بیرون کشیدن حق خود از حلقوم سرمایه داران و رژیم اسلامی حامی آنها راسخ تر کرده است. اعتصابات و مبارزات قدرتمند کارگران معدن چادرملو در دو سال گذشته کارفرما و دولت حامی آنها و ادار به عقب نشینی کرد. این اعتصابات قدرت متشکل و متحد کارگران معدن را نشان داد. ماموران مسلح رژیم به تجمعات کارگران



دادگاه کشیده نمیشوند. آنها به این دلیل محاکمه نمیشوند که کارگران از حداقل امکانات زندگی محرومند، که بخاطر نبودن وسایل ایمنی کارگران همواره در معرض انواع خطرات قرار دارند. چه کسی باید محاکمه شود؟ ۲۱۷۰ نفر کارگر معدن که در سرمای کشنده زمستان و گرمای سوزان تابستان باید گرد و غبار مسموم تنفس کرده و میلیونها تن سنگ آهن استخراج کنند؟ یا انگشت شمار صاحبان شرکت که در لوکس ترین ویلاها و خوش آب و هوا ترین نقاط ایران و یا اروپا زندگی می کنند و حسابهای بانکی شان از دسترنج کارگران روزبروز فربه

جلوگیری از احقاق حق دیگران" به محاکمه کشید و احکام زندان و شلاق برای ۵ نفر از کارگران در این هفته اعلام گردید. هدف از صدور احکام تعلیقی و شلاق برای کارگران ایجاد ارعاب در بین کارگران معدن چادرملو و همچنین سایر کارگران است. اما در حقیقت این حکومت اسلامی سرمایه داران است که از کارگران وحشت دارد. دو سال مبارزه پیگیر کارگران و حمایت گسترده از این مبارزات موجب نگرانی رژیم شده است. برگزاری دادگاه و محاکمه کارگران بار دیگر نشان میدهد که قوه قضائیه رژیم جز ابزاری در خدمت کارفرمایان و برای

اعتراضات صنفی اقدامی برخلاف نظم عمومی و امنیت ملی انجام بدهند با آنها برخورد میشود. این فرمول شناخته شده ای است که بر اساس آن دستگاه قضائی اسلامی برای همه کارگران مبارز و معترض پرونده سازی می کند. اما کارگران مرعوب نشده و مبارزات خود را ادامه دادند. رژیم ناچار شد به پاره ای از خواستهای کارگران تن دهد. نماینده اخراجی کارگران به کار بازگردانده شد، میزان مرخصی کارگران بخاطر کار شاق داخل معدن افزایش یافت و کارفرما ناچار شد در محاسبه حق بیمه کارگران پاداش افزایش تولید را نیز محاسبه کند، طرح

از فیسبوک حزب

جنگ یمن حلقه دیگری از مقابله دو بلوک ارتجاعی

حمید تقوایی



برای عرض اندام پیدا کرده اند. از نقطه نظر مردم یمن و مردم منطقه جنگی که در یمن آغاز شده از هر دو سو ارتجاعی و ضد انسانی است. نه عبدالله صالح که در بحبوحه بهار عربی قدرت را از دست داد و نه معاون او منصور هادی که بجای او نشست و دو ماه قبل با تعرض حوثی ها متواری شد هیچیک نه تنها منافع مردم یمن را نمایندگی نمیکنند بلکه مظهر و عامل جنگهای مذهبی قبیله ای و توحش و عقب ماندگی هستند که بوسیله توده مردم منطقه در انقلابات و تحولات موسوم به بهار عربی بچالش کشیده شد. نیروهای چپ و انقلابی و سکولار در منطقه و در همه جهان باید در حمایت از توده مردم یمن و برابر هر دو قطب ارتجاعی و حامیان جهانیان که به جنگهای مذهبی- عشیرتی دیروز در عراق و سوریه و امروز در یمن دامن زده اند بمیدان بیابند. این کاملاً محتمل است که توده مردم - همانطور که تجربه بهار عربی و سپس کوبانی و امروز اعتراض مردم افغانستان علیه زن ستیزی اسلامیون نشان میدهد- با پرچم انسانیت و برابری طلبی و آزادیخواهی به میدان بیابند و ورق را برگردانند. در جنگ مردم با دولتها و نیروهای ارتجاعی بویژه مردم ایران که سابقه دیرینه ای در مقابله با جمهوری اسلامی دارند از جایگاه تعیین کننده ای برخوردارند. و این به حزبی مانند حزب کمونیست کارگری در آگاه و متشکل کردن نیروی توده مردم و شکل دادن به یک جبهه چپ انقلابی در مقابله با بلوکهای فوق ارتجاعی در منطقه و حامیان جهانیان نقش و جایگاه ویژه ای میبخشد. *

۳۱ مارس ۲۰۱۵

در عین حال باید این واقعیت را نیز در نظر داشت که قدرتهای جهانی از هر دو سوی غرب و شرق از موقعیت ابرقدرتی گذشته نظیر دوره جنگ سرد برخوردار نیستند. نه تنها روسیه بلکه کمپ غرب نیز بویژه در منطقه خاورمیانه موقعیت بلامنازع خود را از دست داده است و در نتیجه دولتها و نیروهای ارتجاعی محلی هر یک با منافع و ادعاهای ویژه خود سر بلند کرده و میداندار شده اند. جنگ یمن قبل از هرچیز حاصل و نمایانگر ارتجاع و توحش نیروها و دولتهای اسلامی است که بر متن بی افقی و استیصال بورژوازی بومی و جهانی میدانی

منطقه ای در میان است. دولت آمریکا از این طرح حمایت کرده است و از زبان وزیر دفاعش اعلام کرده حاضر است با این ائتلاف نظامی همکاری کند. سران اروپا نیز نظر مساعد خود را اعلام کرده اند. این ائتلاف ابتدا حول داعش شکل گرفت اما در حمله به یمن است که معنی سیاسی- نظامی واقعی تر و جدی تری پیدا میکند. عربستان و ترکیه از نظر سیاسی در کنار داعش و جمهوری اسلامی در برابر آن قرار دارد و به همین دلیل مساله داعش نمیتوانست خط روشنی بین دو قطب رقیب منطقه ای - و حامیان جهانیان- رسم کند. جنگ یمن این خط کشی و قطبندی را تکمیل میکند. این یک ائتلاف و بلوک سیاسی- نظامی میان عربستان- مصر- ترکیه و چندین کشور دیگر منطقه است که گرچه امروز مبنی و اساس آنرا مقابله با جمهوری اسلامی و متحدینش تشکیل میدهد اما بالقوه میتواند به یک نیروی ژاندارم خاورمیانه تبدیل بشود.

منطقه فضا و شرایطی ایجاد کرده است که امروز این نیروها در رقابت با یکدیگر و با ادعای ابر قدرت منطقه ای وارد یارگیریها و ائتلافهای سیاسی نظامی شد و میدانی برای عرض اندام پیدا کرده اند. در این میان قدرتهای جهانی نیز اساساً با اتکا به همین نیروهای محلی اهداف و منافع خود را دنبال میکنند. دو بلوک جهانی روسیه - چین و آمریکا- اتحادیه اروپا در دوسوی این کشاکش قرار گرفته اند. یک فاکتور مهم در شکل دادن به فاجعه سوریه، سربلند کردن داعش، و امروز جنگ در یمن، جنگهایی که رنگ و ظاهر درگیری مذهبی بین نیروهای سنی و شیعی بخود گرفته است، تقابل تازه ای است که بین کمپ "شرق" و "غرب" در خاورمیانه در حال شکل گیری است.

در این چارچوب میتوان گفت ائتلافی که امروز حول عربستان شکل گرفته از مساله ویژه یمن فراتر خواهد رفت. صحبت از شکل دادن به یک ائتلاف نظامی

عربستان سعودی و بیش از ده کشور متحدش به یمن نقطه عطفی در تقابل میان دو بلوک ارتجاعی در منطقه است. تقابلی که یکسوی آن جمهوری اسلامی و سوریه و حزب الله و دولت عراق قرار دارد و در سوی دیگر آن دول عربستان و ترکیه و امارات و امروز مصر و پاکستان و مراکش و سودان و لبنان و چند کشور دیگر. این کشاکش بر سر بسط نفوذ و تثبیت قدرت فائقه هر یک از این دو بلوک ارتجاعی در خاورمیانه، که بروز فاجعه آمیز آنرا تا کنون در سوریه و عراق شاهد بوده ایم و بویژه با سربلند کردن داعش اوج تازه ای گرفته است، خود نهایتاً حاصل و پیامد سیاستهای میلیتاریستی غرب است. دولتها و نیروهای رنگارنگ اسلامی از جمهوری اسلامی و عربستان تا حزب الله و داعش و حوثی و غیره خود مستقیم و غیرمستقیم در نتیجه سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش در دوره پسا جنگ بجلو رانده شده و در منطقه فعال شده اند. هجوم نظامی آمریکا به

روزانه



ژورنال روزانه را بخوانید!
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها
منتشر می شود

کمپین موفق در سوئد علیه ممنوعیت ورود زنان به میادین ورزشی

مسابقه فوتبال بین تیمهای ایران و سوئد همانند سایر مسابقات عادی برگزار نشد. با اعلام برگزاری این مسابقه، فعالیت های گسترده و وسیعی برای افشای سیاستهای ضد زن و آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی در سوئد برافراشته شد.

اعضای سازمان جوانان کمونیست در رسانه های فارسی زبان و سوئدی حاضر شده و به افشای جمهوری اسلامی پرداختند. اعضا و هواداران صفحه فیسبوکی "انقلاب زنانه" با تماس با رسانه های سوئدی و فارسی کمپین وسیعی علیه بی حقوقی زنان برافراشتند. مهین علیپور و ماریا رشیدی در سوئد کمپین علیه ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها در ایران را آغاز کردند. آنها با تماس های مکرر با مسئولین فوتبال سوئد خواستار اعتراض و فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای برداشتن تبعیض ها در

مورد زنان شدند. فعالیت های این کمپین در رسانه های مختلف سوئد انعکاس یافت. نامه سرگشاده مهین علیپور و ماریا رشیدی و بحث های آنها در پرتیراژترین روزنامه های سوئد نظیر داگنز نیهر، اکسپرسن و یوتبوری پستن منتشر شد. و کانال های تلویزیونی ۱ و ۴ سوئد با آنها مصاحبه کردند.

بحث بی حقوقی زنان در ایران، آپارتاید جنسی و ممانعت ورود زنان به میدان های ورزشی چندین روز مورد بحث رسانه ها و مردم سوئد بود. گروه های مختلف مردم نسبت به سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی ابراز انزجار می کردند. ۴ نفر از بازیکنان تیم فوتبال سوئد مخالفت خود را با تبعیض به زنان در عرصه ورزش توسط جمهوری اسلامی اعلام کردند. مجموعه این فعالیت ها به این

مسابقه فوتبال بین تیمهای ایران و سوئد همانند سایر مسابقات عادی برگزار نشد. با اعلام برگزاری این مسابقه، فعالیت های گسترده و وسیعی برای افشای سیاستهای ضد زن و آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی در سوئد برافراشته شد. اعضای سازمان جوانان کمونیست در رسانه های فارسی زبان و سوئدی حاضر شده و به افشای جمهوری اسلامی پرداختند. اعضا و هواداران صفحه فیسبوکی "انقلاب زنانه" با تماس با رسانه های سوئدی و فارسی کمپین وسیعی علیه بی حقوقی زنان برافراشتند. مهین علیپور و ماریا رشیدی در سوئد کمپین علیه ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها در ایران را آغاز کردند. آنها با تماس های مکرر با مسئولین فوتبال سوئد خواستار اعتراض و فشار آوردن به جمهوری اسلامی برای برداشتن تبعیض ها در

نامه ماریا رشیدی و مهین علیپور به مسئولین فدراسیون فوتبال سوئد

نسبت به این ممنوعیت اعمال نماید.

ما خواستار این هستیم که این فدراسیون در جهت هر چه انسانی کردن ورزش و دفاع از منزلت زنان از طریق اعتراض به این تبعیض اقدام جدی نماید.

با احترام

ماریا رشیدی دبیر انجمن حق زنان در سوئد

مهین علیپور مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان و سخنگوی نهاد زن آزاد در سوئد

سوئد، ما خواستار این هستیم که فدراسیون فوتبال سوئد هم به این تبعیض علیه زنان اعتراض کرده و به طرق مختلف و بطور مثال با فشار به جمهوری اسلامی در ایران به لغو این تبعیض کمک نماید.

فیفا تا کنون در این مورد اعتراضات مفیدی را انجام داده که در مواردی باعث اعتراض به ایران و منجر به محرومیت کاندیداتوری ایران برای برگزاری بازیهای کاپ آسیائی ۲۰۱۹ شده است. امیدواریم که فدراسیون فوتبال سوئد از این موقعیت استفاده کرده و اعتراض خود را

نهاد های بین المللی برای لغو این تبعیض، یک جنبه مهم این اعتراض میباشد. بر طبق بند ۳ اساسنامه فیفا "هرگونه تبعیض اعم از نژاد، جنسیت، رنگ، ملیت و ... اکیدا غیر قانونی می باشد".

ما بعنوان بخشی از نمایندگان این جنبش و جنبش برابری طلبانه زنان، خواستار اقداماتی چه بطور آنی و چه بلند مدت از طرف فدراسیونهای فوتبال در همه جا و در شرایط فعلی در سوئد میباشیم.

در رابطه با مسابقه دوستانه میان دو تیم فوتبال ایران و

زنان و با حمایت مردم آزاده در ایران بوجود آمده است. یک خواست فوری و مشخص این جنبش لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها است.

زنان در ایران نیز ورود به ورزشگاهها را حق انسانی و طبیعی خود میدانند و بدین معتقدند که ورزش و تماشای ورزش نباید جنسیتی بلکه باید انسانی باشد.

اعتراض به ممنوعیت ورود زنان به استودیوهای ورزشی هم اکنون یک جنبش بزرگ اجتماعی است که اعمال فشار به فیفا "فدراسیون جهانی فوتبال" و

برای کمک به جنبش لغو ممنوعیت ورود زنان به استادیوهای ورزشی در ایران

مسئولین فدراسیون فوتبال سوئد آقایان لارش اوکه لاگرل و لنارت یوهانسون

در ایران بعد از روی کار آمدن حکومت اسلامی یک نوع آپارتاید جنسی تمام عیار بر جامعه تحمیل

شده است. زنان از حقوق بسیاری محروم، از جمله حق ورود به ورزشگاهها را ندارند.

در تقابل با این تبعیض جنسی، یک جنبش قوی توسط

۲. اجازه عرض اندام ندادن به جمهوری اسلامی به بهانه این بازی. به جرات میشود گفت که فعالین حقوق زنان، اپوزیسیون سرنگونی طلب و رسانه های زیادی در حرکتی مشترک این دو امر را برآورده کردند. تقریباً همه رسانه های فارسی زبان در سوئد و همه رسانه های مهم سوئدی از تلویزیون تا رادیو تا وبسایت ها و روزنامه های این کشور و نیز

مردم و در ادامه با ارتباط گیری با رسانه های فارسی زبان و سوئدی و انگلیسی زبان توانستیم فضای اصلی مربوط به بازی را بر سر بی حقوقی زنان در ایران متمرکز کنیم. از یکجمله مانده به بازی تقریباً در شبکه های اجتماعی و اکثریت رسانه های فارسی زبان در استکهلم توجه و فوکوسشان به روی دو مسئله بود:

۱. بی حقوقی زنان در ایران

عمومی و نهادهای رسمی اداری و ورزشی بین المللی بازگو کرده تا جمهوری اسلامی بیش از پیش تحت فشار قرار بگیرد.

ما فعالین، اعضا و دوستداران "انقلاب زنانه" در کنار خیل وسیعی از فعالین جنبش رهایی زن و مخالفان مردسالاری بدرستی تم "لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه ها در ایران" را انتخاب کردیم و از طریق شبکه های اجتماعی با ارتباط گیری با

موفقیت ما در فوتبال ایران و سوئد

تشکیل میدادند. از مدتها قبل ما شاهد فعالیت های مختلفی برای لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه ها در ایران بودیم. این بازی هم فرصتی بود تا این خواسته در سطح وسیعتری مطرح شود و در سطح رسانه ها و افکار

امروز سه شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۹۱ مارس بازی فوتبال تیم های ایران و سوئد در استکهلم انجام گرفت. نزدیک به سی و پنج هزار نفر بیننده این بازی بودند. بیش از دو سوم تماشاچیان را ایرانیان مقیم سوئد و کشورهای همجوار

از فیسبوک حزب

بازنده فوتبال ایران و سوئد
جمهوری اسلامی بود

اصغر کریمی



بود. بی حقوقی زنان در ایران و اجازه عرض اندام ندادن به جمهوری اسلامی به بهانه این بازی، به جرات میشود گفت که فعالین حقوق زنان، اپوزیسیون سرنگونی طلب و رسانه های زیادی در حرکتی مشترک این دو امر را برآورده کردند. ما این پیروزی را عملی کردیم و این بستری است برای پیشروی های بیشتر».

ای خود و با پلاکاردهایشان، فعالیت های رسانه ای شان، پوسترها و اعلامیه هایشان و با تنگ کردن فضا بر مزدوران جمهوری اسلامی، این فضا را خلق کردند که بازیکنان تیم فوتبال را هم به وجد آورده بود، صمیمانه بفشاریم و برای همه آنها و بویژه برای فعالین سازمان جوانان کمونیست، مهین علیپور و فعالین حزب کمونیست کارگری بخاطر تلاش شبانه روزی هفته های گذشته شان و نقشی که در این زمینه داشتیم آرزوی موفقیت کنیم. بدون تردید این موفقیت زمینه را برای پیشروی فعالین راستین حقوق زن آماده تر ساخت.

در این مسابقه، تیم فوتبال ایران، بازی را یک بر سه به تیم سوئد باخت اما بازیکنان تیم فوتبال ایران نیز باید خود را در موفقیت آزادیخواهان و مدافعین حقوق زن شریک بدانند و این بازی را یک موفقیت برای خود و برای همه زنان و مردم ایران و باختی برای جمهوری اسلامی به حساب آورند.*

«ما فعالین، اعضا و دوستانداران "انقلاب زنانه" در کنار خیل وسیعی از فعالین جنبش رهایی زن و مخالفان مردسالاری بدست تم "لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه ها در ایران" را انتخاب کردیم و از طریق شبکه های اجتماعی با ارتباط گیری با مردم و در ادامه با ارتباط گیری با رسانه های فارسی زبان و سوئدی و انگلیسی زبان توانستیم فضای اصلی مربوط به بازی را بر سر بی حقوقی زنان در ایران متمرکز کنیم. از یک هفته مانده به بازی تقریباً در شبکه های اجتماعی و اکثریت رسانه های فارسی زبان در استکهلم توجه و فوکوسشان به روی دو مسئله

مصاحبه های متعددی داشتند که در این مصاحبه ها جنبش رهایی زن در ایران و مطالبات این جنبش را نمایندگی کردند و سمپاتی زیادی در دفاع از مبارزات زنان و مردم ایران و خواست لغو محرومیت ها و بی حقوقی های زنان ایجاد کردند. استادپوم برای همه و لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه ها در ایران، شعار و مطالبه ای بود که از مدتها قبل استارتش زده شد، کمپینی حول آن سازمان داده شد و نقطه اوج این اعتراض روز ۳۱ مارس در استادپوم فرزند آرنو در منطقه سولنا در استکهلم بود. ادمین های صفحه فیس بوکی انقلاب زنانه نوشته اند:

به یمن فعالیت گسترده و همه جانبه اپوزیسیون جمهوری اسلامی چنان فضای رسانه ای سوئد و فضای ایرانیان مقیم سوئد به حمایت از حقوق زنان ایران و حق ورود آنها به استادپوم های ورزشی در ایران حاکم شد که برخی رسانه های جمهوری اسلامی هم مجبور شدند سکوت را بشکنند و ناراحتی شان را اعلام کنند. تعدادی از بازیکنان تیم فوتبال سوئد در روزهای قبل از مسابقه از حق ورود زنان به استادپوم ها حمایت کردند، رسانه های فارسی زبان و سوئدی زبان بارها این مساله را پوشش دادند از جمله شیرین شمس، مهین علیپور و ماریا رشیدی

از صفحه ۵

موفقیت ما در فوتبال ایران و سوئد

نابرابری و سرکوبگری که نماینده دولتی آن در ایران جمهوری اسلامیست، ما پیروزم و امروز نشان دادیم که با همبستگی و مبارزه میتوانیم پیروز شویم. زنده باد اعضا و فعالین انقلاب زنانه

تیم ادمینی صفحه فیسبوکی انقلاب زنانه
سه شنبه ۱۱ فروردین- ۳۱ مارس

میفشاریم و باید با قدرت بیشتر به پیش رویم. صفحه انقلاب زنانه متعلق به همه کسانی ست که برای انسانیت، برابری و آزادی قلبشان میتپد و مبارزه میکند. یک روز، مبارزه ما بر علیه اسیدپاشی بر زنان در اصفهان است و یک روز بر سر بی حقوقی زنان در رابطه با عرصه ورزشی است که بمناسبت بازی فوتبال ایران و سوئد در استکهلم است. همه این مبارزات جدالیست بر علیه استبداد، مردسالاری و

غالب، فضایی اعتراضی بود با محوریت "بی حقوقی زنان در ایران" که بر بستر بازی فوتبال که مردم برای دیدن آن آمده بودند شکل گرفته بود.

این یک پیروزی و گام مهم است که ما آنرا عملی کردیم و این بستریست برای پیشروی های بیشتر. اینجا جا دارد رو به فعالین انقلاب زنانه و همه کسانی که در متحقق شدن این پیروزی فعالیت کردند بگوییم که دست همه تان را به گرمی

جمهوری اسلامی از طریق وبسایتهاش بلند شد که چه خبر شده! در وهله دوم در روز بازی در استادپوم فرزند آرنو به جرات میشود گفت که نمادها و پرچم جمهوری اسلامی بسیار انگشت شمار بود. در عوض فضای

بازیکنان تیم فوتبال سوئد روی محور بی حقوقی زنان در ایران صحبت کردند و پای گفتگوی فعالین حقوق زن از ایران آمده نشستند و خواسته و فعالیت های آنان را منعکس کردند. حتی کار بجایی رسید که صدای اعتراض



یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

لوزان- یمن- تکریت: افول پرشتاب جمهوری اسلامی

یک پیامد سیاسی توافق در مذاکرات هسته‌ای شکستن تصویر ضد آمریکائی جمهوری اسلامی خواهد بود. آمریکائی ستیزی و کوبیدن بر طبل شیطان بزرگ امر هویتی و اساس و سنگ بنای موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی از بدو بقدرت رسیدنش تا به امروز بوده است. و ازینرو هر نوع توافق با "شیطان بزرگ" موقعیت جمهوری اسلامی در جنبش اسلام سیاسی و در منطقه را در یک بعد استراتژیک زیر سؤال برده و بشدت تضعیف خواهد کرد. یکی از دلایل طولانی شدن مذاکرات - که هنوز تا نوشتن این یادداشت نتیجه‌اش نامعلوم است - به این خاطر است که این در واقع ضدغربی گری جمهوری اسلامی است که در قالب پروژه هسته‌ای عملاً روی میز مذاکرات قرار دارد. ممکن است که جمهوری اسلامی برای رفع تحریمها و خلاصی از انزوا و بن بست کامل اقتصادی حاضر به پرداخت این بها باشد اما حتی اگر توافقی صورت نگیرد سیر رو به افول موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد.

نه تنها در مذاکرات لوزان، بلکه در جنگ یمن و در عملیات بازپس گرفتن تکریت، نیز موقعیت ضعیف و در حال افول جمهوری اسلامی قابل مشاهده است. ائتلاف ده کشور منطقه که حول محور عربستان سعودی- ترکیه - مصر در حمله به نیروهای حوثی تحت حمایت جمهوری اسلامی شکل گرفته است ضربه کاری‌ای به اعمال نفوذ جمهور اسلامی نه تنها در یمن بلکه در کل خاورمیانه محسوب میشود. در این میان حتی نیروئی مثل حماس که یک متحد استراتژیک جمهوری اسلامی بشمار میرود عملاً در حمایت از منصور هادی و علیه حوثی‌ها در یمن موضع گرفته است. دولت سودان متحد دیگر جمهوری اسلامی نیز رسماً به ائتلاف عربستان پیوسته و حتی اعلام کرده است که "هیچگونه پیمانی بین تهران و خارطوم وجود ندارد!" موضعی که سایت الجزیره در نوشته‌ای با عنوان "سودان ایران را فروخت؟" از آن بعنوان "چرخشی بزرگ در روابط استراتژیک سودان با ایران در سایه فشار واقعیت‌های موجود در خاورمیانه" نام میبرد.

اتفاق دیگری که در حین مذاکرات لوزان رخ داد باز پس گرفتن تکریت از نیروی داعش بود. گرچه در آغاز عملیات بازپس گیری تکریت نیروهای سپاه

قدس بعنوان مشاور شرکت داشتند اما به گفته مقامات عراقی در "آزادسازی تکریت" نقشی نداشتند. نخست وزیر عراق در اطلاعیه‌ای تاکید کرد که "شهر تکریت فقط با خون عراقی‌ها آزاد شد". رادیو آمریکا نیز در این مورد چنین گزارش میدهد که چون "همراهی گروه‌های شبه نظامی شیعه و حضور اعضای سپاه پاسداران ایران در این عملیات" باعث بروز "درگیری‌های فرقه‌ای در عراق" میشد و "انتقادهایی را در پی داشت" لذا "در پی بالا گرفتن این اختلافها، فرماندهان و مشاوران نیروی قدس سپاه پاسداران و گروه‌های تحت حمایت آنها از این عملیات خارج شده و حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی علیه مواضع داعش در تکریت آغاز شد و عملیات آزادسازی تکریت شتاب گرفت".

این تحولات بروشنی حاکی از تضعیف بلوک جمهوری اسلامی در مقابل بلوک عربستان است. محور عربستان- ترکیه - مصر اکنون سودان و حماس و عراق و پاکستان و افغانستان را نیز با خود دارد و این به معنای از هم پاشیدن بلوک جمهوری اسلامی و انزوای هر چه بیشتر آن در منطقه است. بی‌گمان این تحولات جمهوری اسلامی را در مذاکرات لوزان در موقعیت بازهم ضعیفتری قرار خواهد داد. اما مساله اساسی حکومت نهایتاً نه رابطه با آمریکا و رقابتها و بلوکبندیهای منطقه‌ای بلکه رابطه‌اش با مردم ایران و موقعیت داخلی حکومت است. تضعیف و از دست رفتن موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و کلاً در جنبش اسلام سیاسی از آنرو برای حکومت حیاتی است که مستقیماً به سرعت به ضعف و بحران و تزلزل بیشتر رژیم در خود ایران ترجمه خواهد شد. نهایتاً آنچه جمهوری اسلامی را درهم خواهد شکست نه رقابتها و بلوکبندیهای منطقه‌ای بلکه اعتراضات و مبارزات مردم ایران است. مذاکرات هسته‌ای به هر نتیجه‌ای منجر بشود بی‌گمان یک پیامد آن گسترش دامنه اعتراضات و مبارزات مردم در ایران خواهد بود. ختم مذاکرات دریچه و فضای اعتراضی تازه‌ای برای گسترش و تقویت مبارزات مردم ایران و کل مردم منطقه علیه دولتها و نیروهای اسلامی و بلوکبندیهای ارتجاعی در منطقه و حامیان جهانیان باز خواهد کرد. *

اعدام اسلامی، و جامعه‌ای که مرعوب نمیشود!

ترساندن و ایجاد رعب و وحشت مؤثر نیست و هیچ گواه و نشانه‌ای برای تأیید صحت این طرز تفکر وجود ندارد. اما از مبانی اسلامی و شرعی این اسلحه از کار افتاده در جوامع اسلامزده سخنی بمیان نیامده است.

کارشناسان و مقامات عفو بین‌الملل حتی از "اعدام‌های انزجارآور" بوسیله داعش و "اعدام به بهانه مقابله با تروریسم" از جانب دولتهای نظیر مصر و نیجریه صحبت میکنند بدون آنکه به توجیه و فلسفه شرعی و اسلامی این جنایات انزجارآور اشاره‌ای کنند.

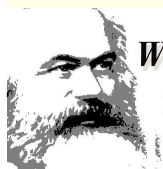
در هیچ کجا مانند ایران نقش اسلام و مقدسات و احکام شرعی و اخلاقیات پوسیده اسلامی در گسترش جنایت اعدام و در عین حال ناکارآمدی این جنایت دولتی در مرعوب کردن جامعه بارز و برجسته و مشهود نیست. آنچه بویژه عدم تأثیر حکم اعدام در ارباب مردم را ثابت میکند سطح مبارزات و اعتراضات در جامعه ایران علیه قوانین مذهبی، علیه حجاب و آپارتاید جنسی و در نقد و تمسخر و دست انداختن خرافات و تعصبات و دگمهای مذهبی است. دیدن و برسمیت شناختن این جنبش ضد مذهبی، حمایت از این جنبش و تقویت آن یک عامل تعیین کننده در خلاصی جامعه ایران از زیر تیغ اعدام و قصاص و سیستم قضائی جنایتکارانه اسلامی است. و این امری است که نه سازمانهای حقوق بشری بلکه نیروهای چپ و کمونیست انقلابی نظیر حزب کمونیست کارگری پرچم آنرا بدست دارند. *

بر اساس آخرین گزارش عفو بین‌الملل جمهوری اسلامی با اعدام ۷۳۴ نفر در سال ۲۰۱۴ رکورد بیشترین اعدامها را نصیب خود کرده است. در این گزارش آمده است که "ایران در اجرای حکم اعدام پیشتاز است".

این اولین بار نیست که عفو بین‌الملل از آمار بالای اعدام در جمهوری اسلامی خبر میدهد اما جنبه‌ای که در گزارشات سازمان عفو بین‌الملل و دیگر نهادهای حقوق بشری ذکر نمیشود اینست که در سیستم قضائی جمهوری اسلامی بی‌گناهان اعدام میشوند.

اعدام به هر دلیلی و در هر کشوری چیزی بجز قتل عمد دولتی نیست اما اعدام در ایران جنایت مضاعف است. کشتار به دلیل و "جرم" هائی است که بر اساس ابتدائی ترین قوانین در یک جامعه مدنی اصلاً جرم محسوب نمیشوند. نه تنها اعدام بلکه کل سیستم قضائی جمهوری اسلامی، از قصاص و احکام شرعی تا قاضی شرع و جرم شناسی و سیستم کیفری بدوی و عشیرتی اسلامی، تماماً جنایتکارانه است و باید به موزه عصر حجر سپرده بشود. سیستم قضائی جمهوری اسلامی یک ماشین جنایت تمام عیار است که تمام توجیه و مشروعیت خودش را از اسلام و قوانین فوق ارتجاعی اسلامی کسب میکند و همه نهادهای حقوق بشری دقیقاً در مورد همین خصلت مذهبی جنایت جمهوری اسلامی ساکت و بی تفاوت اند.

در گزارش عفو بین‌الملل به این واقعیت نیز اشاره شده که "صدور و اجرای حکم اعدام برای



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wcpiiran.org

فراخوان مشترک سیلی غفار و مینا احدی برای دفاع فعالانه تر از جنبش برابری طلبانه زنان در افغانستان از مبارزات زنان در افغانستان دفاع کنید!

بین‌المللی معمولاً منتشر میکنند، افغانستان تحت سلطه ارتجاعی ترین و جنایتکارترین گروه‌های موسوم به جهادی و طالبی است که تمام شان با هزار رشته به امریکا و غرب وابسته اند و مردم و بخصوص زنان را به زنجیر کشیده اند. اما اکثریت مطلق مردم افغانستان مثل مردم همه جای دنیا خواهان برابری و رفاه و حقوق انسانی هستند و نهاد ها و شخصیت های مترقی و مردمی آن علیه خشونت بر علیه زنان و مردم مبارزه می‌کنند.

اینکه که نگاه‌ها بسوی افغانستان جلب شده و مبارزات زنان و مردم افغانستان تحسین بسیاری را برانگیخته انتظار ما اینست که سازمان‌های مترقی فعالانه از این اعتراضات دفاع کنند و بهر طریق ممکن با جنبش دادخواهی فرخنده همکاری کنند. صدای زنان در کشورهای اسلام زده را باید به گوش جهانیان رساند و از مبارزات شجاعانه زنان در این کشورها فعالانه دفاع کرد.

سیلی غفار - مینا احدی
۳۰ مارس ۲۰۱۵

وحشتناک توسط چند سرکرده احزاب زن ستیز اسلامی جهت مرعوب ساختن مردم طرح ریزی شده بود.

اعتراضات نه فقط در خیابانها دارد، بلکه بحث و جدل در بین مردم و در رسانه ها و شبکه‌های اجتماعی در این مورد بسیار داغ است. در دفاع از فرخنده ترانه‌هایی ساخته شده و مردم با وسعت و قدرت اعلام میکنند که ما همه فرخنده هستیم و خواهان رسیدگی به این فاجعه و مجازات متهمین و همچنین برکناری مقاماتی هستند که در پس پرده عامل اصلی این جنایت هستند.

تظاهرات هزاران تن در کابل یک نمایش قدرت جنبشی بود که در افغانستان رشد و گسترش یافته است، جنبش دفاع از برابری زن و مرد و جنبش مدرن و مترقی علیه حکومت دزدان و یا حکومت وحشت در افغانستان!

ما به همه سازمانهای مدافع حقوق زن در دنیا به همه سازمانهای مترقی و سکولار و انسان دوست اعلام میکنیم که این تصویر جامعه افغانستان است و نه آن تصویری که رسانه های



یک هفته قبل در کابل پایتخت افغانستان، فرخنده ۲۷ ساله به دست تعدادی متعصب و جاهل بطرز فجیعی به قتل رسید. آنها با اعلام اینکه فرخنده قرآن را آتش زده او را وحشیانه کشتند و جسدش را آتش زدند.

عکس‌العمل زنان و مردم در افغانستان به این فاجعه، چنان قوی و متحدانه بود که حکومت در افغانستان را مجبور کرد چند نفر را دستگیر کند و چند پلیس را اخراج کند. اگرچه حداقل چهار نفر از مقامات حکومتی قبلاً از این جنایت دفاع کرده بودند و نظر تعدادی اینست که این حرکت

بهنام ابراهیم زاده محروم از درمان و ملاقات، در قرنطینه زندان رجایی شهر

این در حالی است که بهنام ابراهیم زاده طی هفته‌های گذشته و حتی پیش از بستری شدن فرزندش، از حق ملاقات با خانواده محروم بوده است.

بهنام ابراهیم زاده که پنجمین سال محکومیت خود را در زندان رجایی شهر می‌گذراند، در جریان بازداشت اول در تاریخ ۲۲ خرداد ۸۹ طبق رای دادگاه انقلاب، ابتدا به ۲۰ سال زندان محکوم و حکم وی در دادگاه تجدید نظر به ۵ سال حبس تعزیری تقلیل یافت. او در حین سپری دوران محکومیت، در هفته‌های اخیر به ۹ سال و نیم زندان دیگر محکوم شد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
i.c.a.e.i.r@gmail.com

ابراهیم زاده در قرنطینه زندان رجایی شهر توضیح داد که: "انفرادی‌های بلندمدت و فشارهای جانبی برای این زندانی که پس از وقایع پنجشنبه سیاه در اوین تا به امروز ادامه داشته، موجب تشدید خونریزی معده، درد شدید ناشی از آرتروز گردن و خونریزی کلیه او شده است".

وی ادامه داد: "درحالی که مقامات زندان با چشم پوشی از مشکلات بهنام، از اعزام وی به مراکز درمانی خودداری می‌کنند، پزشکان بهداری زندان هم مشکلات جسمانی وی را عادی تلقی کرده و حتی از ارائه داروهای مسکن خودداری می‌کنند".

این منبع همچنین افزود که: "یکی از پزشکان بهداری زندان، در واکنش به درد از ناحیه گردن، به این زندانی گفته است که درد آرتروز، امری عادی است و تنها باید تحمل کنی!"

همچنین روز شنبه ۸ فروردین ۱۳۹۴، نینا ابراهیم زاده فرزند این زندانی نیز به دلیل پیگیری درمان سرطان خون، برای چندمین بار طی ماه‌های اخیر در بیمارستان محک تهران بستری شده است.



علی‌رغم مصدومیت بهنام ابراهیم زاده از ناحیه گردن و وضعیت وخیم جسمانی این کارگر زندانی، مقامات زندان رجایی شهر از اعزام وی به مراکز درمانی خودداری می‌کنند.

به گزارش کمیته بین‌المللی علیه اعدام به نقل از کمپین صلح فعالان در تبعید، بهنام ابراهیم زاده که پس از ۲۸ روز بازجویی در بند ۲۰۹ زندان اوین، از روز دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۳، به قرنطینه زندان رجایی شهر منتقل شده، از درد آرتروز گردن رنج می‌برد اما با بی تفاوتی مقامات زندان و بهداری زندان، حتی از دریافت داروهای مسکن نیز محروم شده است. یک منبع مطلع درخصوص وضعیت بهنام

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود